



## پیام چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن !

بار دیگر در آستانه سالگرد رستاخیز سیاهکل (۱۹ بهمن ۱۳۴۹) و قیام بهمن (۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) قرار داریم، دو رویداد بزرگ تاریخی در جنبش انقلابی خلق های ما که نقشی تعیین کننده در مبارزه بدون وقفه مردم ما برای رسیدن به آزادی داشته اند.

سیاهکل در شرایط سلطه دیکتاتوری لجام گسیخته رژیم شاه و در موقعیتی که رژیم سرنیزه هر صدای مخالفی را در گلو خفه کرده بود و با سرکوب خونین هر مبارزه اعتراضی به یاس و ناامیدی دامن زده و عملاً مبارزات مردم را به بن بست رسانده بود چون آذرخشی در این ظلمت شاه ساخته درخشید و آن چنان نوری و حرارتی بر آسمان غم زده کشورمان افکند که در نتیجه آن جسارت و امید جوانه زد و طلسم یاس و ناامیدی در هم شکست و جانی تازه در کالبد جنبش انقلابی دمیده شد. فضای نوین مبارزاتی ای که به این طریق شکل گرفت در تداوم خود به قیام شکوهمند بهمن که نمایش قدرت عظیم توده های از بند رها شده بود، انجامید و رژیم شاه را برای همیشه از صحنه سیاست کشور پاک نمود.

رستاخیز سیاهکل از همان آغاز چون تیری در چشم دشمنان مردم، خواب را از چشم آن ها ربوده بود. از رژیم شاه که آن را نافوس مرگ خود می دانست و از هیچ سببیت و جنایتی برای به شکست کشاندن آن دریغ نورزید تا خمینی که آن را کار "استعمار" جلوه می داد و حزب همیشه خائن توده که آن را حرکتی جدا از توده و آنارشویستی جا می زد، تمامی دشمنان مردم ما علیرغم اختلافاتی که با هم داشتند علیه این حرکت جدید و تاریخی مبارزاتی سخن گفتند. اما علیرغم همه این دشمنی ها، سیاهکل پایدار ماند؛ چرا که پاسخی به ضرورت زمان بود. سیاهکل بن بست مبارزاتی آن سال ها را در هم شکست و راه مبارزه را در مقابل مردم قرار داد. پس از سال ها رکود و خمود فضای سیاسی، جامعه به این حرکت جدید واکنش نشان داد؛ به آن نیرو داد و از آن حمایت نمود. صد ها تن از جوانان انقلابی در پاسخ به ندا و پیام سیاهکل به جنبش مسلحانه و صفوف کمونیست های فدایی پیوستند و جان خود را در مسیر آزادی و سعادت کارگران و زحمتکشان فدا کردند. در این مسیر چند سال بعد در تداوم این مبارزه و حمایت مردمی از آن، همگان دیدند که چگونه توده ها در قیام بهمن با الهام از راه و روش مبارزه ای که سیاهکل مروج آن بود مراکز سرکوب رژیم شاه را مورد یورش قرار داده و دیکتاتوری وابسته شاه را برای همیشه به زیاله دان تاریخ انداختند.

راز راه گشائی سیاهکل در این واقعیت بود که این حرکت انقلابی بر تئوری ای استوار بود که از واقعیت عینی اخذ شده بود. چرا که تئوریسین های رستاخیز سیاهکل رفقا مسعود احمدزاده و امیر پرویز پویان بر این باور بودند که "تئوری ای که از واقعیت عینی اخذ نشده باشد، طبعاً نمی تواند هم با واقعیت عینی رابطه ای درست برقرار کند." با چنین باوری بود که آن ها با استفاده از همه امکانات موجود تلاش کردند تا شناختی واقعی از جامعه خود به دست آورده و تحلیلی عینی از شرایط ارائه دهند.

یکی از رهنمودهای گرانقدر از گنجینه تئوریک چریکهای فدائی خلق این است که در جامعه ما تا نظام سرمایه داری وابسته حاکم است روبنای سیاسی این نظام چیزی جزء دیکتاتوری عربان نخواهد بود، استبدادی که تحمل هیچ مخالفتی را نداشته و هر اعتراضی را با سر نیزه پاسخ می دهد. این تر که یکی از اصل های تئوری

راهنمای رزمندگان سپاهک بود چون از تحلیل واقعیت عینی اخذ شده بود و با خود واقعیت انطباق داشت هم چون آموزشی تاریخی، روشنی بخش راه پویندگان راستین راه رهائی طبقه کارگر و توده های تحت ستم ایران شد. در اثبات درستی این تر می توان سرنگونی رژیم شاه را مثال زد که چون این سرنگونی همراه با نابودی نظام سرمایه داری حاکم صورت نگرفت، همگان دیدند که دیکتاتوری بار دیگر و این بار در لباس جمهوری اسلامی تداوم یافت.

اگر به رویدادها و تحولات سیاسی جامعه در ۳۴ سال اخیر به دقت نگاه کنیم می بینیم که در آغاز روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی توسط امپریالیست ها، عدم پیروی نیروهای سیاسی موجود در آن مقطع از همین تر انقلابی چریکهای فدائی خلق و در نتیجه معرفی این رژیم به مثابه رژیمی ملی و ضد امپریالیست، به استبداد اسلامی امکان داد تا با دستی باز به فریب توده ها پرداخته و در شرایط سازشکاری و مماشات طلبی آن نیروها پایه های رژیم ننگین اش را در جامعه ما مستحکم سازد. این البته در شرایطی بود که تشکیلات چریکهای فدایی خلق با وفاداری به همان تحلیل های انقلابی رفقای تئورسین سپاهک، با شنا در خلاف جهت جریان موجود، به مردم خود و تمامی نیروهای صف خلق هشدار می دادند که سیستم سرمایه داری وابسته حاکم بر ایران هنوز پا برجاست و این رژیم تازه روی کار آمده درست در جهت تحکیم این سیستم به نفع امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته داخلی حرکت می کند؛ و هشدار می دادند که این رژیم هم همچون رژیم شاه دیر یا زود به روی مردم شمشیر خواهد کشید و دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیزی را بر جامعه حاکم خواهد ساخت. متأسفانه در آن زمان کمتر نیرویی به این ندای انقلابی گوش فرا داد و پی به ماهیت واقعی جمهوری اسلامی به مثابه رژیم حافظ نظام سرمایه داری وابسته برد. در ۳۴ سال گذشته، کشتار ها و جنایت های جمهوری اسلامی جز تائیدی بر صحت آموزه های انقلابی رزمندگان سپاهک نبوده است. اما با این همه باز هم شاهد بودیم که وقتی دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی جهت فریب مردم بازی جناح خوب و جناح بد راه انداخته و چنین جلوه داد که در جامعه تحت سلطه ایران با حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته در آن امکان "اصلاح و گشایش" وجود دارد، وقتی در سال های نه چندان دور بلندگوهای تبلیغاتی و اتاق های فکر جمهوری اسلامی با برخورداری از حمایت امپریالیست ها، با خاتمی و "پروژه کلان اصلاحات" اش تلاش کردند بخش هایی از جامعه ما را فریب دهند و "ولایت مطلقه فقیه" را "مردم سالاری دینی" و "حکومت قانون" جا زده و با فریب و ربا، دیکتاتوری حاکم را تداوم بخشند، باز نیروهای متوهم که نمی خواهند آموزه های به جا مانده از رستاخیز سپاهک را آویزه گوش خود کنند، به دنبال رژیم راه افتاده و به او کمک کردند تا مدتی دیگر با فریب بخش هایی از جامعه برای تداوم سلطه خونین خود زمان بخرد.

امروز اما کفگیر تبلیغات "اصلاح طبی" رژیم به ته دیگ خورده است. با روی کار آمدن روحانی، حالا این روشنفکران قلم به مزد هستند که با هزار ترفند می کوشند دولت روحانی را برای مردم متفاوت از پیشینیانش جا بزنند. این ها با کمک کسانی که نه با سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران بلکه صرفاً با این یا آن سیاست دولت های حاکم مشکل دارند از "تدبیر و امید" روحانی، این مهره خادم نظام سخن گفته و می کوشند در شرایطی که جمهوری اسلامی در یکی از سخت ترین دوران زندگی خود به سر می برد مردم تحت ستم ایران را به امکان بهبود زندگی مشقت بار خود در چارچوب دیکتاتوری حاکم امیدوار ساخته و تا آن جایی که می توانند آن ها را به امید "گشایش" اوضاع فریب دهند. در حالی که حتی نگاهی به عملکرد چند ماهه دولت روحانی نشان می دهد که آن چه در این چند ماه رخ داده است جز گشایشی در افزایش و گسترش روز افزون اعدام نبوده است. تا جایی که در حدود ۸ ماهی که روحانی روی کار آمده حداقل روزی ۳ نفر اعدام شده اند و تنها در عرض دو هفته اول سال جدید میلادی به گزارش خبرگزاری ها، حداقل ۴۰ نفر به چوبه دار سپرده شده اند. این

واقعیت نیز به نوبه خود نشان می دهد که در رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سیستم سرمایه داری وابسته در ایران می باشد توسل به قهر و خشونت علیه مردم ، ذاتی همه دولت هائی است که با ژست ها و آرایش چهره های ظاهراً متفاوت مدتی زمام قدرت را به دست می گیرند.

بنابراین بر اساس آموزش چریکهای فدائی خلق که به قیمت خون رزمندگان دلیر سیاهکل و هزاران تن از زنان و مردان انقلابی جامعه اخذ شده تا نظام سرمایه داری در ایران حاکم است و در حال حاضر تا جمهوری اسلامی بر قدرت است امکان هیچ گونه اصلاح و بهبود واقعی و کسب کمترین آزادی ها و تضمین حقوق دموکراتیک شهروندی وجود ندارد. واقعیت این است که آزادی مردم ما و رهائی آن ها از قید ستم های طبقاتی و انواع دیگر از ظلم و جوری که متحمل می شوند تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و همراه با آن از بین بردن سیستم سرمایه داری وابسته ممکن است.

در سالگرد دو رویداد تاریخی رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن، بکوشیم تا با اتحاد و تشدید مبارزات مان ضمن وفاداری به درس ها و تجربیات خونین مبارزات رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷ آموزش ها و تجارب انقلابی به دست آمده را دستمایه مبارزات قاطع علیه رژیم و حامیان امپریالیس اش برای رسیدن به آزادی قرار دهیم.

**جاودان باد خاطره سرخ و تاریخ ساز رزمندگان سیاهکل!**

**نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**

**زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!**

**پیروز باد انقلاب! زنده باد کمونیسم!**

**با ایمان به پیروزی راهمان**

**چریکهای فدایی خلق ایران**

۹ بهمن ۱۳۹۲